



گفت‌و‌گو با محمدعلی مهتدی، کارشناس مسائل غرب آسیا

«معامله قرن» تثبیت امنیت اسرائیل است از مسیر اقتصاد

مخالفت گستر ده فلسطینی‌ها با طرح دونالد ترامپ در باره فلسطین موسوم به «معامله قرن» نشان‌دهنده عمق انز جاز فلسطینی‌ها از طرحی است که حذف آرمان فلسطین و تصبیح کامل حقوق فلسطینی‌ها را در دستور کار خود دارد و در این میان برخی رژیم‌های مر تبعع عربی با همسو شدن با این طرح، به آتش‌افروزی در سرزمین‌های اشغالی دامن می‌زنند. در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان با طرح «معامله قرن» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا برای فلسطین مخالفت کرده‌اند، اما ترامپ ویژگی‌های باره‌ی خاورمیانه‌عزم‌گرا در تا کشورهای عربی را برای رونمایی از طرح جنجالی خودمخجاب‌کنند.دونالد ترامپ برای وادار کردن فلسطینی‌ها به پذیرش این طرح روی کمک‌های سعودی و دیگر رژیم‌های عربی منطقه حساب ویژه‌ای باز کرده است. ترامپ با موج‌سواری روی بحران‌های منطقه، در صدد است کشورهای عربی از مسئله اسرائیل و فلسطین عبور کنند و بیشتر به مقابله با نفوذ ایران در منطقه متمرکز شوند. طرح به‌اصطلاح صلح ترامپ، طرحی کاملاً همسو با اهداف و خواسته‌های رژیم نژادپرست صهیونیستی است که در آن خواسته‌های طرف فلسطینی به هیچ‌وجه

گفت‌وگو
روح‌الله صالحی

مخالفت گستر ده فلسطینی‌ها با طرح دونالد ترامپ در باره فلسطین موسوم به «معامله قرن» نشان‌دهنده عمق انز جاز فلسطینی‌ها از طرحی است که حذف آرمان فلسطین و تصبیح کامل حقوق فلسطینی‌ها را در دستور کار خود دارد و در این میان برخی رژیم‌های مر تبعع عربی با همسو شدن با این طرح، به آتش‌افروزی در سرزمین‌های اشغالی دامن می‌زنند. در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان با طرح «معامله قرن» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا برای فلسطین مخالفت کرده‌اند، اما ترامپ ویژگی‌های باره‌ی خاورمیانه‌عزم‌گرا در تا کشورهای عربی را برای رونمایی از طرح جنجالی خودمخجاب‌کنند.دونالد ترامپ برای وادار کردن فلسطینی‌ها به پذیرش این طرح روی کمک‌های سعودی و دیگر رژیم‌های عربی منطقه حساب ویژه‌ای باز کرده است. ترامپ با موج‌سواری روی بحران‌های منطقه، در صدد است کشورهای عربی از مسئله اسرائیل و فلسطین عبور کنند و بیشتر به مقابله با نفوذ ایران در منطقه متمرکز شوند. طرح به‌اصطلاح صلح ترامپ، طرحی کاملاً همسو با اهداف و خواسته‌های رژیم نژادپرست صهیونیستی است که در آن خواسته‌های طرف فلسطینی به هیچ‌وجه

الان طرح دونالد ترامپ، موسوم به «معامله قرن» مهم‌ترین بحثی است که در محور فلسطین مطرح است. امریکایی‌ها سعی دارند با جلب رضایت رژیم‌های عربی این طرح را اجرا کنند. جزئیات مهم این طرح چیست که فلسطینی‌ها به‌شدت با آن مخالف هستند؟

به نظر در مورد معامله قرن امریکایی‌ها مبالغه می‌کنند، اگرچه جزئیات این طرح را به طور رسمی اعلام نکرند اما آنچه از محتوای این طرح به‌برین درز کرده، اینکه امریکایی‌ها می‌خواهند مسئله فلسطین را به گونه‌ای حل کنند که رهاکار دو دولتی نباشد. در دوره‌های گذشته امریکا از رهاکار دو دولتی حمایت می‌کرد ولی بعد از اینکه قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی کردند و معتقدند با توجه به اینکه شهر ک‌های صهیونیست‌نشین بسیاری در کرانه باختری وجود دارد بنابراین جایی برای تشکیل دو دولت وجود ندارد. تصور امریکایی‌ها این است که مردم فلسطین از مبارزه با اشغالگران خسته شده‌اند

و در فقر زندگی می‌کنند و اگر رونمایی از راه اقتصادی برای مردم فلسطین به‌ویژه ساکنان نوار غزه ایجاد کنند، فلسطینی‌ها آرمان خود را فراموش کرده و توافقی را خواهند پذیرفت.

آنچه در مورد دروغ غزه یعنی شده این است که می‌خواهند محاصره این منطقه را بردارند و فرودگاه تأسیس کنند و همچنین بندر بسازند و بخشی از صحرای سینا را به غزه وصل کنند تا به خلیج عقبه ادامه داشته باشد و به مدیترانه هم راه یابد. چون در غزه منابع آب شیرین وجود ندارد، گفته‌اند که کارخانه‌های آب‌شیرین کن ایجاد خواهند کرد. عربستان، اردن و اسرائیل یک پروژه بسیار عظیم در ساحل غربی خلیج عقبه به نام «بیوم» دارند و اگر شروع به کار کند ده‌ها میلیارد دلار قرار است آنجا سرمایه‌گذاری شود. پروژه‌های بسیار عظیم توریستی و اقتصادی و شهر الکترونیک قرار است، ایجاد شود و زمینیهای فراهم می‌کند تا ساکنان غزه در آنجا کار کنند. ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم غزه و استفاده از جوانان به عنوان نیروی کار در آن پروژه برنامه‌ریزی شده است.

همچنین امتیازاتی برای فلسطینی‌ها در نظر گرفته‌اند و سرپرستی اماکن مقدس و مذهبی را به اردن داده‌اند و قرار است منطقه «بودیس» به عنوان پایتخت فلسطین باشد تا به قدس شرقی راه داشته باشد و بیشتر تدبیل ایجاد رفاه و فرصت‌های شغلی برای فلسطینی‌ها هستند‌و تشکیل دولت مستقل فلسطینی. اگر فلسطینی‌ها هم منطقه‌ای را در دست داشته باشند صرفاً به عنوان منطقه خودمختار است نه دولتی یا حاکمیتی مستقل. روابط خارجی و ارتش هم ندارد. هزینه‌های این طرح را که بالغ بر یک میلیارد دلار می‌شود، قرار است عربستان و امارات بر عهده بگیرند، اما این طرح هیچ شانس‌ی برای موفقیت ندارد و به نظر می‌رسد طرحی است که از سوی افرادی طراحی شده است که درباره فلسطین وضعیت منطقه اطلاعاتی ندارند و ملت فلسطین حاضر نمی‌شود آرمان خود را در مقابل اندکی رفاه بفرشد.

به چشم‌انداز اقتصادی معامله قرن اشاره کرده‌ید. بخشی از چارچوب توافقی «اسلو» در دهه ۱۹۹۰ بین فلسطین و رژیم صهیونیستی، ادغام اقتصادی اسرائیل در تریبیات منطقه‌ای بود و در معامله قرن هم به نظر می‌رسد چنین مسئله‌ای مطرح شده است؛ تفاوت معامله قرن با توافقی اسلو در چیست؟

توافقی اسلو شکست خورد و به مفاد آن عمل نشد. قرار بود بر اساس آن «غزه و اریحا» را به یاسر عرفات، رئیس سابق

انتظارات و پیش‌بینی‌ها این بود که وقتی سفارت امریکا از تل آویو به قدس منتقل شود، اعتراضات گسترده‌ای در جهان اسلام به راه خواهد افتاد، هر چند در زمان اعلام این تصمیم از سوی دونالد ترامپ، مخالفت‌هایی از سوی مقامات برخی کشورهای انجام شد اما زمانی که سفارت امریکا

جهان

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴



این مسئله به سرشت این رژیم‌ها به‌ویژه کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین و امارات در خلیج فارس برمی‌گردد. کشورهای شمال آفریقا که درگیر مسائل داخلی هستند و عملاً نمی‌توانند نقشی ایفا کنند و کشورهای خلیج فارس هم از دو پدیده وحشت دارند؛ یکی، محور مقاومت و پیروزی‌هایی که این محور به‌ویژه حزب‌الله لبنان در منطقه به دست آورده است،

اعراب از گسترش تفکر مقاومت در منطقه نگرانند و از تأثیر مقاومت بر ملت‌های خودشان واهمه دارند و برای مقابله با این مسئله، دست به دامن امریکا شده‌اند. مسئله دوم، راجعبران می‌کنند و پیش از این اقدامات به خاطر ترس از حرکت‌های مردمی است و اینکه نباید اندیشه مقاومت و انقلاب به جوامع این کشورها نفوذ پیدا کند. لذا این کشورها دچار ترس وجودی شده‌اند و اگر فکر باشد اندیشه‌های مقاومت در منطقه رشد پیدا کند، ملت‌های عربی، رژیم‌های پادشاهی و قرون وسطایی در کشورهایشان را نخواهند پذیرفت. بنابراین برای تأمین امنیت و حفظ تاج و تخت خودشان بیشتر به دامن امریکا پناه برده‌اند و امریکا هم این کشورها را به دامن رژیم صهیونیستی انداخته است. از این رو، علت همکاری اعراب با اسرائیل علیه انقلاب‌های منطقه و آرمان فلسطین، ترس از جایگاه خودشان است که مبدا ملت‌ها آنها را از مسند قدرت بریزد.

در ۱۴ می به قدس منتقل شد و همزمان با روز نکبت هم بود. کشورهای اسلامی واکنش خاصی به این مسئله نشان ندادند و حتی افکار عمومی عربی هم در مقابل این مسئله سکوت کرد. دلیل موضوع‌گیری‌های انفعالی جهان اسلام در مقابل اسرائیل امریکا چیست؟

دلیلش این است که کشورهای منطقه درگیر مشکلات داخلی هستند. در لبنان ظهارات علیه این اقدام امریکا گسترده بود و در نوار غزه راهپیمایی‌های بازگشت در روزهای جمعه برگزار شد و این راهپیمایی‌ها، رژیم صهیونیستی را بیشتر ترساند از عرب‌های خلیج فارس هم که کسی انتظار نداشت آنها اقدامی در مخالفت با این مسئله داشته باشند. تونس و لیبی هم به‌شدت درگیر مسائل داخلی خود هستند، همچنین کشور مصر که باید نقش فعالی در مسئله فلسطین ایفا کند، اما فضا‌ها و مشکلات اقتصادی داخلی مانع از این مسئله شده است. بخش زیادی از مردم مصر دچار فقر و بیکاری هستند و سرکوب‌ها در این کشور شدید است و دولت عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر به گونه‌ای رفتار می‌کند که حتی اعتراضات کوچک را به‌شدت سرکوب می‌کند و در این شرایط نمی‌توان واکنش‌های جدی را انتظار داشت. در سوریه و یمن هم که عضو محور مقاومت هستند به خاطر توطئه‌های امریکادرگیر جنگ داخلی هستند. همچنین کشورهای عربی از واکنش‌ها و اعتراضات جدی و بنابرین با توجه به بحران‌ها در منطقه و درگیر بودن کشورها در امور داخلی خود، مخالفت گسترده مردمی علیه معامله قرن انجام نمی‌شود و تنها واکنش‌های برگزاری ظاهراً بازگشت از نوار غزه بود که باعث شد صهیونیست‌ها با گلوله‌های چنگی تعداد زیادی از مردم را شهید و زخمی کنند و همین مسئله اعتراض‌های جهانی را در پی داشته است.

همچنین هیچ یک از کشورهای غربی و آسیایی حاضر نشدند دنباله‌روی امریکا باشند و سفارت خود را به قدس انتقال دهند. به‌ویژه اروپایی‌ها که طرح ترامپ را خطرناک می‌دانند و سازمان ملل هم با این اقدام مخالفت کرده است. طبق قطعنامه‌های شورای امنیت، «قدس» یک شهر اشغالی است و طبق کنواسیون ژنو، هرگونه تغییری در مناطق اشغال شده محرم است. بنابراین، امریکا در انتقال سفارت به قدس شری و از آنها انتظار داشتند کشورهای دیگر هم از این اقدام واکنشنجتن تبعیت کنند اما این انتظارشان برآورده نشد.

یوری اونیوی، فعال صلح اسرائیل و طرفدار راه‌حل دو دولتی، معتقد است دلیل اینکه رویکرد دونالد ترامپ در مورد مسئله فلسطین تهاجمی تر شده، این است که هیچ زمانی دولت‌های عربی مثل الان غیر متحد نبودند و اگر در گذشته اختلافات کنشورهای بین عربستان و مصر در منطقه وجود داشت، امروزه اختلافاتشان علنی شده و فرصت خوبی است تا معامله قرن را عملی کنند. به نظر تان این مسئله تا چه حد در اتخاذ تصمیم امریکادراره فلسطین تأثیرگذار بوده است؟

بله، آن است مسئله تا حدودی درست است. اگر تعدادی عرب مثل گذشته متحد بود طبیعتاً امریکایی‌ها نمی‌توانستند چنین طرح‌هایی را مطرح کنند. الان که کشورهای عربی برآکنده هستند و هر کشوری علیه دیگری توطئه می‌کند، مثلاً عربستان علیه قطر، یمن و سوریه اقدام می‌کند و

یمن هم بی‌بیمه که هیچ‌گونه وحدتی بین این کشورها وجود ندارد. خیلی از کشورهای عربی از ترس تحولات مردمی در منطقه و برای حفظ امنیت خودشان به دامن امریکا و رژیم صهیونیستی پناه برده‌اند و در نابود کردن آرمان فلسطین سهیم هستند. در صورتی که تاکنون از سوی امریکا برای نابودی آرمان فلسطین و مختومه کردن پرونده فلسطین به نفع رژیم صهیونیستی تدوین شده است. این طرح که بیت‌المقدس را به طور کامل در اختیار صهیونیست‌ها قرار داده، سبب شده که عملاً تمامی فلسطینی‌ها حتی تشکیلات خودگردان فلسطین که رویکردهای سازشکارانه داشته‌است در قبال طرح ضدفلسطینی ترامپ موضع گرفته و آن را رد کنند. طرح معامله قرن که هیچ مقبولیتی در میان فلسطینی‌ها ندارد، طرحی از پیش شکست‌خورده است. محمدعلی مهتدی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت‌وگو با «جوان» تأکید کرد: «معامله قرن، طرحی است که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و می‌خواهند از راه اقتصادی به نتایج سیاسی دست پیدا کنند. به طوری که ملت‌های منطقه‌ایدنولوژیک فکر نکنند و بیشتر به دنبال رفاه باشند و محور مقاومت محبوبیت خود را در بین کشورهای عربی از دست بدهد و مقاومت را تحت فشار قرار دهد. هرگونه نتیجه اقتصادی در این طرح شکست خورده است. معامله قرن، طرحی است که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و می‌خواهند از راه اقتصادی به نتایج سیاسی دست پیدا کنند. به طوری که ملت‌های منطقه‌ایدنولوژیک فکر نکنند و بیشتر به دنبال رفاه باشند و محور مقاومت محبوبیت خود را در بین کشورهای عربی از دست بدهد و مقاومت را تحت فشار قرار دهد. هرگونه نتیجه اقتصادی در این طرح شکست خورده است. معامله قرن، طرحی است که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و می‌خواهند از راه اقتصادی به نتایج سیاسی دست پیدا کنند. به طوری که ملت‌های منطقه‌ایدنولوژیک فکر نکنند و بیشتر به دنبال رفاه باشند و محور مقاومت محبوبیت خود را در بین کشورهای عربی از دست بدهد و مقاومت را تحت فشار قرار دهد. هرگونه نتیجه اقتصادی در این طرح شکست خورده است. معامله قرن، طرحی است که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و می‌خواهند از راه اقتصادی به نتایج سیاسی دست پیدا کنند. به طوری که ملت‌های منطقه‌ایدنولوژیک فکر نکنند و بیشتر به دنبال رفاه باشند و محور مقاومت محبوبیت خود را در بین کشورهای عربی از دست بدهد و مقاومت را تحت نظر دارد. صهیونیستی پناه برده‌اند و در نابود کردن آرمان فلسطین

با اسرائیل همدست شده‌اند و این مشوق خوبی برای بنیامین نتانیا‌هو، نخست وزیر اسرائیل و دونالد ترامپ است تا سفارت را از تل آویو به قدس منتقل کنند. از طرفی، نکته مهم دیگری هم وجود دارد که ترامپ یک تاجر است و دنبال این است که سرمایه خود را افزایش دهد، نه اینکه پول هزینه کند و این اقدامی بود که هیچ هزینه مالی برای امریکانداشت و می‌توانست با این کار حمایت لابی صهیونیستی را پشت سر خود داشته باشد و به‌خصوص اینکه در ماه نوامبر انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره برگزار می‌شود که بسیاری معتقدند که جمهوری خواهان در این دوره تضعیف خواهند شد و دموکرات‌ها در این انتخابات پیروز می‌شوند که به هیچ‌عنوان سیاست‌های ترامپ را قبول ندارند و ترامپ برای اینکه در موقعیت فعلی خود باقی بماند به لابی صهیونیستی نیاز دارد و می‌تواند از این لابی برای تقویت جمهوری خواهان در انتخابات کنگره استفاده کند. با توجه به اختلافات در جهان عرب و نیاز آنها به امنیت و نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی، خیال ترامپ راحت بود که مشکلی برای سیاست خارجی امریکا پیش نخواهد آمد و مبادرت به این اقدام کرد.

همزمان با سفر نمایندگان ویژه ترامپ به منطقه برای رونمایی از معامله قرن، رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که کشورهای عربی با طرح موافقت کرده‌اند. به نظر تان دلیل اصلی که رژیم‌های عربی با طرح‌های امریکا در خاورمیانه همراه شده و به آرمان فلسطین پشت کرده‌اند، چیست؟

این مسئله به سرشت این رژیم‌ها به‌ویژه کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین و امارات در خلیج فارس برمی‌گردد. کشورهای شمال آفریقا که درگیر مسائل داخلی هستند و عملاً نمی‌توانند نقشی ایفا کنند و کشورهای خلیج فارس هم از دو پدیده وحشت دارند؛ یکی، محور مقاومت و پیروزی‌هایی که این محور به‌ویژه حزب‌الله لبنان در منطقه به دست آورده است،

اعراب از گسترش تفکر مقاومت در منطقه نگرانند و از تأثیر مقاومت بر ملت‌های خودشان واهمه دارند و برای مقابله با این مسئله، دست به دامن امریکا شده‌اند. مسئله دوم، راجعبران می‌کنند و پیش از این اقدامات به خاطر ترس از حرکت‌های مردمی است و اینکه نباید اندیشه مقاومت و انقلاب به جوامع این کشورها نفوذ پیدا کند. لذا این کشورها دچار ترس وجودی شده‌اند و اگر فکر باشد اندیشه‌های مقاومت در منطقه رشد پیدا کند، ملت‌های عربی، رژیم‌های پادشاهی و قرون وسطایی در کشورهایشان را نخواهند پذیرفت. بنابراین برای تأمین امنیت و حفظ تاج و تخت خودشان بیشتر به دامن امریکا پناه برده‌اند و امریکا هم این کشورها را به دامن رژیم صهیونیستی انداخته است. از این رو، علت همکاری اعراب با اسرائیل علیه انقلاب‌های منطقه و آرمان فلسطین، ترس از جایگاه خودشان است که مبدا ملت‌ها آنها را از مسند قدرت بریزد.

برخی منابع سعودی فاش کرده‌اند که محمدبن سلمان، ولیعهد سعودی در دوران غیبت یک ماهه، با مقامات صهیونیستی دیدارهایی داشته و حتی در اردن با نتانیا‌هو دیدار و گفت‌وگو کرده است. چرا عربستان سعودی اخیراً تماس‌های ارتباطی با اسرائیل را علنی می‌کند؟ چه عوامل و زمینه‌هایی در نزدیکی‌گام به‌گام عربستان و رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است؟

در مسئله عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، عربستان‌ها به شکل تدریجی عمل کردند و در ابتدا چند تن از شخصیت‌های سعودی که سابقه همکاری با دولت نداشتند، با مقامات غیررسمی صهیونیستی دیدارهایی انجام دادند و سپس از آن دیدارها را علنی کردند. هر مرحله، روش این است که واکنش‌ها را می‌سنجند و اگر واکنش‌ها و اعتراضات جدی و گسترده باشد، این دیدارها را مخفی می‌کنند و زمانی که واکنش‌ها ضعیف باشد، سعی در علنی کردن آنها دارند و به‌تدریج روابط خود را گسترش می‌دهند. حتی سعودی‌ها، خبر دیدار محمد بن سلمان با نتانیا‌هو در اردن را علنی نکرده‌اند، ضمن اینکه این دیدار را تکذیب هم‌نکرده‌اند این سکوت و تکذیب‌نکردن، نشان می‌دهد که چنین دیداری صورت گرفته است. در روزهای اخیر دیدار محرمانه‌ای بین مسئولان مصر، اردن، عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی در بندر عقبه انجام شد و به‌طور حتم برنامه‌هایی در زمینه‌های مختلف ترتیب داده‌اند تا دستگه اطلاعاتی این کشورها، آنها را اجرا کنند. برخی برنامه‌ها بیشتر به عملیات جنگ نرم علیه

حزب‌الله و ایران مربوط می‌شود و دستگه‌های اطلاعاتی عربی و صهیونیستی هر روز فعالیت‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی علیه ایران انجام می‌دهند تا روی افکار عمومی داخل کشور تأثیر بگذارند.

بخشی از برنامه‌هم‌به تحولات جنوب سوریه و عملیاتی که از نش سوریه در مناطق «سویدا» در ناه انجام می‌دهد، از تباط دارد. اینکه ارتش سوریه به زودی به مرزهای اردن و سرزمین‌های اشغالی مسلط خواهد شد و اینکه چه اقداماتی باید برای مقابله با آن انجام دهند. در این بین، توافقاتی بین اردن و امریکا صورت گرفته است تا به گروه‌های تروریستی، کمک‌سیاسی و نظامی انجام دهند چون ارتش سوریه همسایه آن جنوب را از دست تروریست‌ها آزاد کند و مرزهای جنوبی را تحت کنترل خود دربیورد. بنابراین، از تباط‌های امنیتی بین اعراب و اسرائیل بسیار گسترده‌تر است. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد دستگه‌های اطلاعاتی عربستان سعودی در اختیار اطلاعات رژیم صهیونیستی است و اسرائیل بسیار گسترده‌تر است. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد دستگه‌های اطلاعاتی عربستان سعودی در اختیار اطلاعات رژیم صهیونیستی است و اسرائیل همه چیز را در عربستان تحت نظر دارد. من شخصاً نگران حج امسال هستم که این مسئله

خیلی مهم است و حجاج شیعه از ایران و عراق به این مراسم خواهند رفت و در شرایطی که تأمین امنیت حج در دست صهیونیست‌ها قرار دارد، ممکن است که توطئه‌هایی را علیه حجاج شیعه ترتیب دهند که باید روی این مسئله برنامه‌ریزی‌هایی انجام شود. بیشترین بخش همکاری عربستان و امارات با رژیم صهیونیستی در زمینه مسائل امنیتی و اطلاعاتی است که بیشتر آنها اعلام نمی‌شود.

آیا افکار عمومی عربستان با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی موافق است یا اینکه در صورت وقوع چنین اقدامی، به آن واکنش نشان خواهد داد؟

نباید انتظار داشته باشیم که در داخل عربستان نسبت به این اقدام تحرکاتی جدی انجام شود و تظاهرات گسترده‌ای راه‌ببند. ضمن اینکه سختگیری و سرکوب در این کشور بسیار شدید است و اگر قرار باشد تحولی رخ دهد یا باید از خسار این اتفاق رخ دهد یا اینکه اختلافات بین شاهزاده‌های سعودی و نیروهای مسلح باعث تغییراتی در عربستان شود. عربستان برای ده‌ها سال با عقاید وهابی اداره شده است ولی اصلاحاتی که الان محمدبن سلمان انجام می‌دهد با آموزه‌های وهابی در تضاد است و مردم با این اقدامات مخالف هستند. از طرف دیگر، شیوخ و علمایی که به این اصلاحات اعتراض دارند، با کوچک‌ترین اعتراضی بازداشت می‌شوند و سرنوشته‌ها نامعلومی پیدا می‌کنند. در این فضای خفقان و سرکوب نمی‌توان انتظار داشت که یک تحول مردمی علیه عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجام شود.

به رسمیت شناختن قدس سه عنوان پایتخت اسرائیل توسط کشورهای عربی، چه پیامدهایی برای منطقه در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد داشت؟

مطابق الان از نظر نظام امنیتی دو محور دارد؛ یک محور امریکارژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، اردن و مصر است که امریکایی‌ها از این کشورها به عنوان کشور‌های میانه‌روی سستی یاد می‌کنند. در مقابل، محور مقاومت شامل جنبش حماس در فلسطین، حزب‌الله در لبنان و بسیج مردمی (حشدالشعبی) عراق و کشور ایران و یمن قرار دارند. محور مقاومت هر چند به حال در مقابل هجمه امریکا، اسرائیل و عربستان که علیه محور مقاومت اعمال کرده‌اند، در حال دفاع بوده‌است اما طرف مخالف در همه‌عرضه‌ها در مقابل مقاومت شکست خورده و محور مقاومت پیروز شده است. در لبنان، نتیجه‌انتخابات این کشور به نفع حزب‌الله و همپیمانانش تمام شد و آنها توانستند اکثریت کرسی‌های پارلمان را کسب کنند. در سوریه، ارتش این کشور الان حدود ۸۰ درصد از خاک خود را در اختیار دارد و هر روز شاهد پیروزی‌های جدیدی در برابر گروه‌های تروریستی هستیم.

در انتخابات عراق هم نیروهای حشدالشعبی توانستند موفقیت‌بزرگی کسب کنند و همچنین حضور قدرتمند این گروه در مرزهای سوریه و عراق نشان از نفوذ گسترده آن در عراق دارد. امریکایی‌های همی خواهند مانع از همکاری حشدالشعبی و محور مقاومت در لبنان و سوریه شوند و تلاش می‌کنند این حلقه از تباط را قطع کنند. در یمن هم عربستان و امریکا تصور می‌کردند، می‌توانند در مدت چند هفته این کشور را اشغال و نیروهای انصارالله را به تسلیم وادار کنند که عملاً موفقیتی کسب نکردند و بیش از سه‌سال است که یمنی‌ها از کشورشان در برابر متجاوزان دفاع می‌کنند. از آنجایی که ایران پرچمدار مقاومت در منطقه است، می‌ببینم که مسئله خروج امریکا و برپام و تلاش برای بازگرداندن تحریم‌ها و مهم‌تر از همه به راه انداختن جنگ نرم علیه ایران، برنامه‌هایی است که هدفش این است که اجازه ندهد ایران نقش خود را به عنوان پرچمدار مقاومت ایفا کند. به هر حال محور مقاومت الان قدرت بیشتری دارد و اگر از حالت دفاعی خارج شود و حالت هجومی به خود بگیرد در طور حتم طرف مقابل تحمل آن را نخواهد داشت. اگر چه ما اکنون در حالت دفاع هستیم و نظماً از برنامه‌های برای حالت هجومی نداریم اما همین که بتوانیم طرح‌های دشمن را در منطقه ختنی کنیم این دستاورد بزرگی است و ضربه بزرگی به دشمنان مقاومت خواهد زد.

با توجه به اینکه طرح معامله قرن، عملاً بیت‌المقدس را به اسرائیلی‌ها واگذار کرده است و با هویت یهودی شناخته می‌شود، یهودیان اسرائیل نسبت به این مسئله چه دیدگاهی دارند؟

مسئله یهودی کردن بیت‌المقدس از سال ۱۹۶۷ که قدس شرقی اشغال شد مطرح بوده است و شاید بودیم که اسرائیلی‌ها طرح یهودی کردن این منطقه در دستور کار داشته‌اند. در داخل اسرائیل هم واکنش جدی در مقابل این اقدام انجام نشد و تنها آن دسته از یهودیانی که مخالف تشکیل دولت یهودی هستند و دولت‌سازی اسرائیل و صهیونیسم را بدعت و مخالف با آموزه‌های دین یهودی می‌دانند، واکنش نشان داده‌اند، اما آنچه در جامعه صهیونیستی مطرح می‌شود ترسی است که آنها از یهودی‌سازی بیت‌المقدس دارند. مهم‌ترین موضوع برای صهیونیست‌ها امنیت است و با توجه به پیروزی‌های صهیونیست‌ها در لبنان و سوریه، جامعه یهودی دچار ترس فراوانی شده است و اگر جنگی رخ دهد اولین متذکب به اراضی اشغالی اصابت کند، همه صهیونیست‌ها از اسرائیل فرار می‌کنند. الان جامعه صهیونیستی از دستگه‌های اطلاعاتی مسلط خواهد شد و به‌اوری می‌داند و در صورت شکست این سیاست‌ها و افزایش ترس امنیتی ممکن است تغییراتی در عرصه سیاسی رخ دهد و نتانیا‌هو نتواند مثل سابق در اسرائیل قدرت خود را در دست داشته‌باشد.